نمدمالی‌ها و شب‌نشینی‌های تابستانی در روستاهای چوپان‌نشین

(مخارج، آموزش و مهاجرت‌ها)

نهفتن در خانه‌ی خانم و تمیز می‌کرد. همسایه‌ها می‌گفتند که او با شوهرش، که در کارخانه‌ی نساجی کار می‌کرد، مشکل دارد. یک روز صبح، وقتی که خانم ژاله برای خرید بیرون رفته بود، او را دیدم که با چشمانی گریان از خانه بیرون آمد و به سرعت دور شد. من هم دنبالش راه افتادم، بدون آن‌که خودم بدانم چرا.

او را تا کنار رودخانه دنبال کردم. آنجا روی سنگی نشست و به آب خیره شد. نزدیک رفتم و پرسیدم که حالش خوب است یا نه. برگشت و نگاهی به من انداخت که هرگز فراموش نمی‌کنم. نگاهی پر از خستگی، پر از سال‌ها سکوت. گفت که نباید به کسی چیزی بگویم، چون آبرو برای زن‌ها از همه‌چیز مهم‌تر است. آن روز فهمیدم که بعضی رازها سنگین‌تر از آن‌اند که بتوان آن‌ها را تنها حمل کرد.

سال‌ها بعد، وقتی خودم ازدواج کردم و به شهر دیگری رفتم، گاهی به آن لحظه فکر می‌کردم. فهمیدم که سکوت همیشه نشانه‌ی آرامش نیست؛ گاهی فریادی است که هیچ‌کس صدایش را نمی‌شنود. و شاید مهم‌ترین وظیفه‌ی یک نویسنده همین باشد: گوش دادن وقتی همه روی برگردانده‌اند.

نمدمالی‌ها و شب‌نشینی‌های تابستانی در روستاهای چوپان‌نشین

در روزهای نخستین تیرماه، وقتی گله‌ها از دشت‌های گرم‌سیر به ییلاق‌های کوهستانی بازمی‌گردند، روستاهای چوپان‌نشین حال‌وهوای دیگری پیدا می‌کنند. در این روزها، کار و زندگی مردم بیش از هر زمان دیگری با دام گره خورده است. پیش از آن‌که برف‌های پاییز راه‌ها را ببندد، باید پشم تابستان را چید، نمد تازه ساخت و آذوقه‌ی زمستان را فراهم کرد. به همین دلیل، شب‌نشینی‌ها در این روزها بیشتر شکل کار جمعی دارند تا تفریح.

در بسیاری از روستاهای ییلاقی، نمدمالی مهم‌ترین کار جمعی شب‌نشینی‌هاست. زنان همسایه و خویشاوند شب‌ها در خانه‌ی یکی از آن‌ها گرد می‌آیند تا پشم چیده‌شده را با آب داغ، صابون و فشار دست به نمد تبدیل کنند. این کار ساده‌تر از آن است که از بیرون دیده می‌شود. اگر پشم زیاد باشد، ده‌ها دست لازم است تا لایه‌ها یکنواخت پهن شوند و نمد در جای خود جمع نشود. به همین دلیل، هیچ‌کس تنها نمدمالی نمی‌کند؛ همیشه چند نفر دور هم می‌نشینند و با هم کار می‌کنند.

در این شب‌نشینی‌ها، کار با گفت‌وگو پیش می‌رود. خبرهای روستا، عروسی‌های نزدیک، قیمت دام در بازار شهر و حتی مشکل‌های خانوادگی همه‌جا مطرح می‌شود. برای همین است که به این جمع‌ها «شب‌نشینی» می‌گویند. در بسیاری از روستاها، صاحب‌خانه‌ای که نمد در خانه‌اش پهن می‌شود، شام را هم می‌دهد و معمولاً همان شب نمد را لوله می‌کند تا صاحب نمد بعداً آن را ببرد. گاهی هم چند خانه پشت سر هم نمد می‌مالند تا کار زودتر تمام شود.

ابزار کار ساده است، اما استفاده از آن نیاز به مهارت دارد. پشم را ابتدا با دست باز می‌کنند و تکه‌های خار و کثافت را جدا می‌کنند. سپس آن را روی پارچه‌ای پهن می‌کنند و کم‌کم آب داغ و صابون به آن اضافه می‌شود. بعد با پا، دست یا غلتاندن روی زمین، لایه‌ها را به هم فشار می‌دهند. کسی که این کار را برای اولین بار انجام می‌دهد، زود خسته می‌شود و پشت دست‌هایش قرمز می‌شود. به همین دلیل، پیرزن‌ها معمولاً نقش سرپرست را دارند و به دیگران نشان می‌دهند که فشار را کجا و چقدر باید داد.

شب‌نشینی‌ها فقط برای کار نیست. در بسیاری از روستاها، این جمع‌ها تنها فرصتی است که زن‌ها بدون عجله کنار هم می‌نشینند. برای همین، گاهی بعد از کار، بساط چای و میوه‌ی خشک پهن می‌شود و بازی‌های ساده‌ای مثل «جفت‌وطاق» یا «سنگ‌ریزه» هم انجام می‌گیرد. بچه‌ها هم در کنار مادرها یا مادربزرگ‌ها می‌نشینند و کم‌کم یاد می‌گیرند که روزی نوبت آن‌ها خواهد رسید.

با این حال، همه‌ی این شب‌نشینی‌ها شاد نیستند. در سال‌های خشک، که علف کم است و دام‌ها لاغر می‌مانند، پشم کم و کیفیت آن پایین می‌آید. در چنین سال‌هایی، بسیاری از خانوارها مجبورند بخشی از دام را زودتر از موعد بفروشند و همین باعث می‌شود شب‌نشینی‌ها هم کم‌رونق‌تر شوند. در برخی روستاها، مهاجرت جوان‌ها به شهر نیز باعث شده است که تعداد شرکت‌کنندگان هر سال کمتر شود و پیرزن‌ها بیشتر تنها بمانند.

با این همه، نمدمالی هنوز در بسیاری از روستاها زنده است و حتی برخی خانواده‌های شهری برای تهیه‌ی فرش یا کف‌پوش سراغ نمد دست‌ساز می‌روند. برای همین، گاهی جوان‌ها هم دوباره به این کار علاقه نشان می‌دهند. در چند روستا، برگزاری جشنواره‌های کوچک نمدمالی باعث شده است که دختران جوان نیز در کنار مادران و مادربزرگ‌ها بنشینند و یاد بگیرند. به این ترتیب، شب‌نشینی‌ها فقط یک کار نیستند، بلکه جایی‌اند که زبان، مهارت و حافظه‌ی جمعی روستا از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

بندر آهار گزارد؛ هشتصدمین سالگرد بندر بلند در مه‌آلود چوپان‌نشین

بندر آهار گزارد، که امروز با نام کوتاه‌شده‌ی آهار شناخته می‌شود، در ۱۲۲۶ میلادی به دستور فرمانروای وقت، شاه‌زاده ارسلان‌شاه، بنا شد. هدف او ساختن بندری بود که کشتی‌های بازرگانی بتوانند در هر فصل، حتی در زمستان‌های سخت، در آن پهلو بگیرند. تا آن زمان، بیشتر بارهای ادویه و پارچه‌ای که از دریای جنوبی می‌آمد، ناچار بود در بندرهای دیگر خالی شود و با کاروان‌های خشکی به مقصد برسد. ساختن آهار این مسیر را کوتاه و امن کرد.

برای ساختن بندر، مهندسان ابتدا دهانه‌ی رودخانه‌ی بلند را سد کردند و آب شیرین را به کانالی دیگر فرستادند. سپس لایه‌ی ضخیمی از خاک رس را کوبیدند تا کف بندر آب‌بند شود. دو اسکله‌ی سنگی، هر کدام به طول ۴۲۰ متر، از دو سوی دهانه به سوی دریا پیش رفتند. در انتهای هر اسکله برجی ساختند که شب‌ها آتش روشن می‌کرد. ناخدایان تازه‌وارد بدون دیدن این آتش‌ها جرئت نمی‌کردند وارد خلیج شوند.

در سال‌های نخست، بندر آهار بیش از ۱۴۰ کشتی را در خود جای می‌داد. انبارهای سنگی، کارگاه‌های طناب‌سازی و لنگرگاه‌های امن باعث شد که بسیاری از بازرگانان مسیر خود را تغییر دهند. گزارش‌های گمرک نشان می‌دهد که در سال ۱۲۵۱ میلادی، یعنی تنها پنج سال پس از گشایش بندر، ارزش کالاهایی که از آن گذشت بیش از ۳۰ هزار دینار برآورد شد؛ رقمی بسیار بزرگ برای آن روزگار.

با رونق بندر، شهری به همین نام در کنار آن شکل گرفت. مردم آهار به کشاورزی، ماهی‌گیری و ساخت قایق‌های کوچک مشغول شدند و بازارهای شهر پر از ادویه، پارچه و ظروف سفالی شد. بسیاری از بازرگانان ثروتمند، مدرسه‌ها و کاروان‌سراهایی ساختند که هنوز بخشی از آن‌ها پابرجاست. به گفته‌ی مورخان، در اوج شکوفایی، بیش از ۹ هزار نفر در آهار و روستاهای اطراف زندگی می‌کردند.

با این حال، بندر همیشه با مشکل روبه‌رو بود. رسوب‌های رودخانه کم‌کم دهانه را تنگ کرد و عمق آب در بسیاری از روزها برای کشتی‌های بزرگ کافی نبود. در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی، سیل بزرگی بخش بزرگی از اسکله‌ها را ویران کرد و بسیاری از انبارها خالی ماندند. پس از آن، بازرگانان یکی‌یکی راه دیگری برای کالاهای خود پیدا کردند و آهار به بندری کوچک و محلی تبدیل شد.

امروز از آن شکوه گذشته چیزی باقی مانده است. بخشی از اسکله‌ها هنوز زیر آب دیده می‌شود و ماهی‌گیران محلی می‌گویند در روزهای آرام می‌توان صدای ناقوس کشتی‌های قدیمی را شنید. شهر آهار اکنون حدود ۲۳ هزار نفر جمعیت دارد و بیشتر مردم آن در کشاورزی، شیلات و گردشگری کار می‌کنند. شورای شهر آهار اعلام کرده است که برای سالگرد هشتصدمین سال تأسیس بندر، برنامه‌هایی از جمله نمایشگاه عکس، بازسازی یکی از برج‌های قدیمی و برگزاری مسابقه‌ی قایق‌رانی در نظر گرفته شده است.

بندر آهار گزارد؛ هشتصدمین سالگرد بندری که مه‌آلود چوپان‌نشین را به دریا پیوند داد

بندر آهار گزارد، که امروز با نام کوتاه‌شده‌ی آهار شناخته می‌شود، در ۱۲۲۶ میلادی به دستور فرمانروای وقت، شاه‌زاده ارسلان‌شاه، بنا شد. هدف او ساختن بندری بود که کشتی‌های بازرگانی بتوانند در هر فصل، حتی در زمستان‌های سخت، در آن پهلو بگیرند. تا آن زمان، بیشتر بارهای ادویه و پارچه‌ای که از دریای جنوبی می‌آمد، ناچار بود در بندرهای دیگر خالی شود و با کاروان‌های خشکی به مقصد برسد. ساختن آهار این مسیر را کوتاه و امن کرد.

برای ساختن بندر، مهندسان ابتدا دهانه‌ی رودخانه‌ی بلند را سد کردند و آب شیرین را به کانالی دیگر فرستادند. سپس لایه‌ی ضخیمی از خاک رس را کوبیدند تا کف بندر آب‌بند شود. دو اسکله‌ی سنگی، هر کدام به طول ۴۲۰ متر، از دو سوی دهانه به سوی دریا پیش رفتند. در انتهای هر اسکله برجی ساختند که شب‌ها آتش روشن می‌کرد. ناخدایان تازه‌وارد بدون دیدن این آتش‌ها جرئت نمی‌کردند وارد خلیج شوند.

در سال‌های نخست، بندر آهار بیش از ۱۴۰ کشتی را در خود جای می‌داد. انبارهای سنگی، کارگاه‌های طناب‌سازی و لنگرگاه‌های امن باعث شد که بسیاری از بازرگانان مسیر خود را تغییر دهند. گزارش‌های گمرک نشان می‌دهد که در سال ۱۲۵۱ میلادی، یعنی تنها پنج سال پس از گشایش بندر، ارزش کالاهایی که از آن گذشت بیش از ۳۰ هزار دینار برآورد شد؛ رقمی بسیار بزرگ برای آن روزگار.

با رونق بندر، شهری به همین نام در کنار آن شکل گرفت. مردم آهار به کشاورزی، ماهی‌گیری و ساخت قایق‌های کوچک مشغول شدند و بازارهای شهر پر از ادویه، پارچه و ظروف سفالی شد. بسیاری از بازرگانان ثروتمند، مدرسه‌ها و کاروان‌سراهایی ساختند که هنوز بخشی از آن‌ها پابرجاست. به گفته‌ی مورخان، در اوج شکوفایی، بیش از ۹ هزار نفر در آهار و روستاهای اطراف زندگی می‌کردند.

با این حال، بندر همیشه با مشکل روبه‌رو بود. رسوب‌های رودخانه کم‌کم دهانه را تنگ کرد و عمق آب در بسیاری از روزها برای کشتی‌های بزرگ کافی نبود. در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی، سیل بزرگی بخش بزرگی از اسکله‌ها را ویران کرد و بسیاری از انبارها خالی ماندند. پس از آن، بازرگانان یکی‌یکی راه دیگری برای کالاهای خود پیدا کردند و آهار به بندری کوچک و محلی تبدیل شد.

امروز از آن شکوه گذشته چیزی باقی مانده است. بخشی از اسکله‌ها هنوز زیر آب دیده می‌شود و ماهی‌گیران محلی می‌گویند در روزهای آرام می‌توان صدای ناقوس کشتی‌های قدیمی را شنید. شهر آهار اکنون حدود ۲۳ هزار نفر جمعیت دارد و بیشتر مردم آن در کشاورزی، شیلات و گردشگری کار می‌کنند. شورای شهر آهار اعلام کرده است که برای سالگرد هشتصدمین سال تأسیس بندر، برنامه‌هایی از جمله نمایشگاه عکس، بازسازی یکی از برج‌های قدیمی و برگزاری مسابقه‌ی قایق‌رانی در نظر گرفته شده است.

بندر آهار گزارد؛ هشتصدمین سالگرد بندری که مه‌آلود چوپان‌نشین را به دریا پیوند داد

بندر آهار گزارد، که امروز با نام کوتاه‌شده‌ی آهار شناخته می‌شود، در ۱۲۲۶ میلادی به دستور فرمانروای وقت، شاه‌زاده ارسلان‌شاه، بنا شد. هدف او ساختن بندری بود که کشتی‌های بازرگانی بتوانند در هر فصل، حتی در زمستان‌های سخت، در آن پهلو بگیرند. تا آن زمان، بیشتر بارهای ادویه و پارچه‌ای که از دریای جنوبی می‌آمد، ناچار بود در بندرهای دیگر خالی شود و با کاروان‌های خشکی به مقصد برسد. ساختن آهار این مسیر را کوتاه و امن کرد.

برای ساختن بندر، مهندسان ابتدا دهانه‌ی رودخانه‌ی بلند را سد کردند و آب شیرین را به کانالی دیگر فرستادند. سپس لایه‌ی ضخیمی از خاک رس را کوبیدند تا کف بندر آب‌بند شود. دو اسکله‌ی سنگی، هر کدام به طول ۴۲۰ متر، از دو سوی دهانه به سوی دریا پیش رفتند. در انتهای هر اسکله برجی ساختند که شب‌ها آتش روشن می‌کرد. ناخدایان تازه‌وارد بدون دیدن این آتش‌ها جرئت نمی‌کردند وارد خلیج شوند.

در سال‌های نخست، بندر آهار بیش از ۱۴۰ کشتی را در خود جای می‌داد. انبارهای سنگی، کارگاه‌های طناب‌سازی و لنگرگاه‌های امن باعث شد که بسیاری از بازرگانان مسیر خود را تغییر دهند. گزارش‌های گمرک نشان می‌دهد که در سال ۱۲۵۱ میلادی، یعنی تنها پنج سال پس از گشایش بندر، ارزش کالاهایی که از آن گذشت بیش از ۳۰ هزار دینار برآورد شد؛ رقمی بسیار بزرگ برای آن روزگار.

با رونق بندر، شهری به همین نام در کنار آن شکل گرفت. مردم آهار به کشاورزی، ماهی‌گیری و ساخت قایق‌های کوچک مشغول شدند و بازارهای شهر پر از ادویه، پارچه و ظروف سفالی شد. بسیاری از بازرگانان ثروتمند، مدرسه‌ها و کاروان‌سراهایی ساختند که هنوز بخشی از آن‌ها پابرجاست. به گفته‌ی مورخان، در اوج شکوفایی، بیش از ۹ هزار نفر در آهار و روستاهای اطراف زندگی می‌کردند.

با این حال، بندر همیشه با مشکل روبه‌رو بود. رسوب‌های رودخانه کم‌کم دهانه را تنگ کرد و عمق آب در بسیاری از روزها برای کشتی‌های بزرگ کافی نبود. در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی، سیل بزرگی بخش بزرگی از اسکله‌ها را ویران کرد و بسیاری از انبارها خالی ماندند. پس از آن، بازرگانان یکی‌یکی راه دیگری برای کالاهای خود پیدا کردند و آهار به بندری کوچک و محلی تبدیل شد.

امروز از آن شکوه گذشته چیزی باقی مانده است. بخشی از اسکله‌ها هنوز زیر آب دیده می‌شود و ماهی‌گیران محلی می‌گویند در روزهای آرام می‌توان صدای ناقوس کشتی‌های قدیمی را شنید. شهر آهار اکنون حدود ۲۳ هزار نفر جمعیت دارد و بیشتر مردم آن در کشاورزی، شیلات و گردشگری کار می‌کنند. شورای شهر آهار اعلام کرده است که برای سالگرد هشتصدمین سال تأسیس بندر، برنامه‌هایی از جمله نمایشگاه عکس، بازسازی یکی از برج‌های قدیمی و برگزاری مسابقه‌ی قایق‌رانی در نظر گرفته شده است.